

علی شریفی مدیر کتابفروشی «کتاب خوب» در گفت‌وگو با استقامت:

## به تعطیلی کتابفروشی فکر می‌کنم

نمایشگاه‌های کتاب به ضرر همه است \* هنوز در حال پرداخت خسارات دوران کرونا هستیم



که من از شلوغی آنجا در تعطیلات رسمی نوروزی متعجب بودم، یکی از مشتریان ثابت کتابفروشی از فروشنده می‌پرسید که چرا کتابفروشی خلوت است. سوم فروردین، طبیعی است که کتابفروشی خلوت‌تر از دیگر روزها باشد ولی همان روز، این کتابفروشی، از روزهای اوچ کار ما شلوغ‌تر بود.

در این حدود سه دهه‌ای که کتابفروشی دارید، سخت‌ترین دورانی که داشتید چه زمانی بوده است؟

در دو مقطع شرایط بسیار سختی را گذراندم که هنوز دارم تاوان و خسارات آن دو مقطع را جبران می‌کنم. یکی، زمانی بود که شهرداری کرمان در فلکه آزادی شروع به ساخت زیرگذر کرد. دو سالی که زیرگذر ساخته می‌شد، در وضعیت بسیار اسفناکی بودیم و بر فروش و درآمد ما تاثیر فاجعه‌آمیزی گذاشت. روزهایی بود که حتی یک مشتری حتی برای تماشا، به کتابفروشی ما سر نمی‌زد. تا که آمدیم از آن شرایط عبور کنیم، کرنا شیوع پیدا کرد و تعطیلی و محدودیت و قرنطینه پیش آمد. دوران کرونا دوره بسیار مصیبت‌باری برای ما بود و ما هنوز در حال پرداخت خسارات آن زمان با سوده‌های چند درصدی به بانک‌ها هستیم.

برای اینکه چراغ کتابفروشی را خاموش نکنید، به چه حمایت‌هایی نیاز دارید؟

یک زمانی در ملاقات حضوری با یکی از وزرای سابق فرهنگ و ارشاد که پرسید چه حمایتی نیاز دارید، گفتم: کمک شما این است که هیچ کاری نکنید! دولت همین که در کار ما دخالت نکند و سنگ‌اندازی نکند کمک بزرگی است. به وزیر گفتم که برگزاری نمایشگاه‌ها بزرگ‌ترین مشکل ماست و آخرین میخی است که به تابوت کتابفروشی‌ها می‌زنید. ما از دولت حمایتی نمی‌خواهیم چون می‌دانیم حمایتی نمی‌کنند. در زمان کرونا گفتند برای حمایت از کسب‌وکارها وام می‌دهیم، تا جایی من اطلاع دارم بسیاری از همکارانم این وام را نگرفتند، چون شرایطی برای دریافت وام گذاشته بودند که خیلی‌ها نمی‌توانستند آن را دریافت کنند. دولت نه نمایشگاه برگزار کند و نه وام بدهد. شهرداری خیلی می‌تواند به کتابفروشی‌ها کمک کند ولی این کار را نمی‌کند. همین تابلویی که ما نصب می‌کنیم، از بسیاری صنوف شاید عوارض مربوط به تابلو گرفته نشود اما از ما گرفته می‌شود در حالی که شهرداری می‌تواند در این شرایط سخت، در این زمینه‌ها از صنف کتابفروش حمایت کند یا در حوزه تبلیغات شهری می‌تواند امکانی در اختیار کتابفروشی‌ها قرار دهد.

بر اساس تجربه‌ای که دارید، بیشتر مشتریان شما چه کتاب‌هایی خریداری می‌کنند؟

قشر جوان بیشتر رمان و کتاب‌های خودیاری روانشناسی می‌خوانند. بین خانم‌ها و آقایان این علائق متفاوت است؟

خانم‌ها بیشتر رمان می‌خوانند و آقایان کتاب‌های تاریخی، سیاسی و روانشناسی خودیاری.

فرش است. هم به خریداران کمک می‌کند تا به صورت اقساطی فرش مورد نیاز خود را تهیه کنند و هم کمکی به فروش تعاونی‌ها بافندگانی فرش است و ارزش افزوده دارد». وی با بیان اینکه در حال حاضر قیمت برخی از کالاها نظیر ملک و خودرو افزایش یافته است، اظهار کرد: «با وجود تغییر قیمت این کالاها هنوز فرش دستباف تغییر قیمت چندانی پیدا نکرده و این فرصت بسیار خوبی است که مردم متناسب با سلیقه خود فرش خریداری کنند».

من زمانی چهار شعبه کتابفروشی دریافت و کرمان داشتم. دو شعبه آن پیش از این تعطیل شده و احتمال اینکه شعبه سوم به زودی تعطیل شود هست.

خبر بدی است. شعبه کرمان یا جیرفت را تعطیل می‌کنید؟

هر دو. شرایط خیلی سختی داریم. نرخ اجاره‌ها بسیار افزایش پیدا کرده و در حدی است که تقریباً می‌توانم بگویم ۶۰۰ درصد بیشتر شده است. با درآمدزایی که کتاب دارد نمی‌توانم جوابگوی این هزینه‌ها باشم. مگر درآمد شش برابر می‌شود که بتوانم این اجاره را تامین کنم؟ به احتمال زیاد، تا ماه‌های دیگر شعبه دیگری را هم تعطیل کنم.

چرا در شهری مثل کرمان کتابفروشی به یک حرفه پردرآمد تبدیل نمی‌شود؟

در یک نگاه کلی باید بگویم که این مشکل تنها مربوط به شهر کرمان نیست بلکه مشکلی کشوری است. آیا در تهران کتابفروشی‌ها درآمدزایی کافی دارند؟ براساس صحبت‌هایی که با همکارانم در دیگر شهرها داشتم، آن‌ها هم وضعیت خوبی ندارند. منتها اسمال در تعطیلات نوروز به اهواز رفته بودم، در روزهای سوم و چهارم فروردین که هم مدارس و دانشگاه‌ها و هم ادارات تعطیل است، به سه کتابفروشی سر زدم و دیدم که همه تقریباً مملو از جمعیت بودند. این شرایط، خیلی با کرمان متفاوت است. اگرچه صاحبان این کتابفروشی‌ها هم از افزایش قیمت کتاب گلابه‌مند بودند ولی رونقی که آن‌ها دارند، در کتابفروشی‌های ما قابل مقایسه نیست. این را هم بگویم که به دلیل شرایطی که در بازار کتاب پیش آمده، بسیاری از کتابفروشی‌های کشور فقط عنوان کتابفروشی و تابلوی کتابفروشی را دارند اما به فروش محصولات تزئینی و فانتزی روی آورده‌اند. در اهواز، در نهایت ۲۰ درصد از فضای یک کتابفروشی به کتاب و بقیه آن به فانتزی‌فروشی اختصاص داشت. وقتی با صاحب کتابفروشی در این باره صحبت کردم، گفت که برای دوام آوردن چاره‌ای جز این نداریم.

در کرمان هم این وضعیت وجود دارد. کرمان را با اهواز که شهری بزرگتر است مقایسه نمی‌کنم اما در مقایسه با شهرهای هم‌تراز هم، کرمان وضع بدتری دارد و کتابفروشی‌ها کم‌رونق‌تر هستند. در اهواز، در یکی از کتابفروشی‌ها، در حالی

جایگزین کنم. من می‌دانستم مشکلاتی وجود دارد و کار فرهنگی در ایران توجیه اقتصادی ندارد برای همین، بعد از اینکه از نزدیک شرایط این حرفه را دیدم، به کسانی که می‌خواستند به این حوزه ورود کنند، می‌گفتم اگر با انگیزه درآمد مالی به این شغل می‌آید، بدانید که سرخورده خواهید شد. متأسفانه خیلی‌ها هم سرخورده‌گی را تجربه کردند، وارد عرصه کتابفروشی شدند اما یکی، دو سال بعد، تعطیل کردند.

اشاره‌ای به افزایش چند برابری قیمت کتاب کردید. این، یکی از چالش‌هایی است که صنف شما با آن مواجه است. به جز این، چه چالش‌هایی در این کسب‌وکار فرهنگی وجود دارد؟

یکی از مشکلات ما مربوط به کاری است که ناشران غیرحرفه‌ای انجام می‌دهند و یک‌سری کتاب‌ها را با قیمت‌های بالا وارد بازار کرده و گاهی حتی با همکاری نهادهای ذیربط، آن را در نمایشگاه‌هایی با تخفیف ۵۰ درصد عرضه می‌کنند در حالی که کتاب، نه مترجم خوبی دارد، نه کاغذ و صحافی خوبی دارد و نه قیمت‌گذاری آن به‌درستی انجام شده است. مثلاً قیمت کتاب را دو برابر قیمت واقعی تعیین می‌کنند و بعد می‌گویند ۵۰ درصد تخفیف می‌دهیم! خریداران هم اغلب، تنها به همین تخفیف ۵۰ درصد توجه می‌کنند غافل از اینکه کتابی که می‌خرند ترجمه و کیفیت چاپ مطلوبی ندارد. گاهی مواقع شده که دیدم قیمت کتاب را تا سه برابر قیمت یک ناشر خوب تعیین کرده‌اند. یکی دیگر از چالش‌های ما، نمایشگاه‌هایی است که برگزار می‌شود و یک‌سری ناشران خاص در آن شرکت می‌کنند. کتابفروشی که تابلوی سال باید در یک شهر کار کند، قربانی کسانی می‌شود که یک هفته، ۱۰ روز، یا پاره‌ای دولتی می‌آیند و کتاب‌هایشان را عرضه می‌کنند. این نمایشگاه‌ها به بازار کتاب هر شهری از جمله کرمان آسیب می‌زند. نمایشگاه‌های کتاب نه فقط به ضرر صنف کتابفروش بلکه به ضرر همه است. وقتی یک کتابفروشی تعطیل شود، کل حوزه کتاب آسیب می‌بیند اما شاید این تعطیلی، با این شرایط بازار کتاب، در درازمدت به نفع خود کتابفروش باشد که سرمایه و زمانش را در بازار دیگری هزینه کند.

۲۸ سال زمان زیادی است که دوام آورده‌اید. هیچ‌وقت به تعطیلی فکر کردید؟

وقعت این است که جیبی برای این کار ندوخته بودم ولی راستش را بخواهید تصور هم نمی‌کردم که این کار، تا این حد مشکلات دارد و دشوار است. البته این را بگویم که سال‌های ابتدایی فعالیت، شرایط خوب بود اما از زمانی که افزایش نرخ کاغذ و حذف سوسپد کاغذ باعث افزایش جهشی قیمت کتاب شد مشکلات نیز بیش‌تر شد. الان وضعیت طوری شده که مثلاً امروز که کتابی را می‌فروشیم، فردا که بخواهیم سفارش بدهیم، خیلی اوقات چهار تا پنج برابر قیمت آن کتاب که دیروز فروختیم را باید بپردازیم. یعنی باید پنج کتاب بفروشم و با پول آن، یک کتاب در فروشگاه

اسما پورزنگی آبادی

کتابفروشی‌های کرمان چندین سال است که فشارهای اقتصادی زیادی را تحمل کرده‌اند و این وضعیت بهبود نیافته که هیچ، مدام در حال بدتر شدن هم هست.

یکی از قدیمی‌ترین کتابفروشی‌های کرمان، فروشگاه «کتاب خوب» واقع در ابتدای خیابان استقلال است. علی شریفی، مدرس دانشگاه و مدیر این کتابفروشی با اشاره به اینکه درآمدها پاسخگوی هزینه‌ها نیست، می‌گوید که تحت این فشارهای اقتصادی دارد به تعطیلی فکر می‌کند. این، خبر بسیار بدی است برای همه دوست‌داران فرهنگ و کتاب در کرمان. کتاب خوب، چهار شعبه داشته که تاکنون، دو شعبه آن تعطیل شده و این خطر، اکنون، شعبه‌های باقی مانده در کرمان و جیرفت را تهدید می‌کند. شریفی که ۲۸ سال در این حرفه دوام آورده، در این گفت‌وگو از برخی چالش‌هایی می‌گوید که فعالان این صنف با آن مواجهند. لطفاً در ابتدا، ماجرای ورودتان به این حرفه را شرح دهید. چه شد که به کتابفروشی روی آوردید؟

بنده دوران دانشجویی‌ام در تهران بودم و از آن‌جا که دانشگاهم در میدان انقلاب بود و می‌دانید که این محدوده، مرکز کتابفروشی‌های کشور است، بسیار به این حرفه علاقه‌مند شدم و از همان زمان بود که عشق به اینکه در آینده، در کنار هر کاری که تخصصی انجام می‌دهم حتماً کتابفروشی هم داشته باشم، در من ایجاد شد. فکر می‌کردم به فرهنگ کشور خدمت کنم و همین، انگیزه ورودم به این حرفه شد. بعد از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه، قبل از اینکه سراغ کار اداری بروم، ابتدا کتابفروشی باز کردم.

چند سال است که در این حوزه مشغول هستید؟

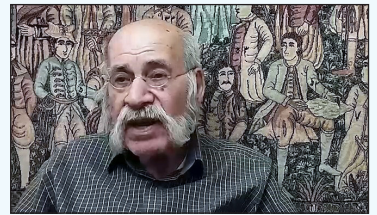
حدود ۲۸ سال.

روزی که قصد داشتید کتابفروشی تاسیس کنید، فضای فرهنگی کرمان مناسب این کار بود؟

من کتابفروشی را از جیرفت شروع کردم. بعد از راه‌اندازی شعبه جیرفت، شعبه‌ای هم در کرمان راه‌اندازی کردم. آن زمان، دورنمایی از آینده این شغل داشتید؟ فکر می‌کردید می‌توانید برای تامین معیشت، روی این حرفه حساب کنید؟

واقعیت این است که جیبی برای این کار ندوخته بودم ولی راستش را بخواهید تصور هم نمی‌کردم که این کار، تا این حد مشکلات دارد و دشوار است. البته این را بگویم که سال‌های ابتدایی فعالیت، شرایط خوب بود اما از زمانی که افزایش نرخ کاغذ و حذف سوسپد کاغذ باعث افزایش جهشی قیمت کتاب شد مشکلات نیز بیش‌تر شد. الان وضعیت طوری شده که مثلاً امروز که کتابی را می‌فروشیم، فردا که بخواهیم سفارش بدهیم، خیلی اوقات چهار تا پنج برابر قیمت آن کتاب که دیروز فروختیم را باید بپردازیم. یعنی باید پنج کتاب بفروشم و با پول آن، یک کتاب در فروشگاه

محمدحسین اسلام‌پناه  
استاد صحاف سنتی:  
«کهنه کتاب» را به‌عنوان  
مکانی برای گفت‌وگو و دیدار  
راه‌اندازی کردم



گروه فرهنگ‌هنر: محمدحسین اسلام‌پناه و صحافی «کهنه کتاب» او که در یکی از حجره‌های بازار تاریخی کرمان دایر است را، اغلب مردم کرمان و ایران می‌شناسند. او، یکی از شخصیت‌های فرهنگی مهم دوران معاصر است که در زمینه‌های مختلف، کوشش‌های ماندگار و تاثیرگذاری داشته است.

نام اسلام‌پناه در رشته صحافی سنتی از استان کرمان در فهرست حاملان میراث فرهنگی ناملموس به‌عنوان گنجینه زنده بشری نیز، به ثبت رسیده است. شماره جدید فصلنامه فرهنگی و هنری «جنگ هنر مس» پرونده‌ای برای معرفی وی و فعالیت‌هایش دارد که خواندن آن پیشنهاد می‌شود. در بخشی از این پرونده که عنوان «میراث‌دار نادره کردار» را دارد، حمیدرضا محمدی - روزنامه‌نگار گفت‌وگویی مکتوب با اسلام‌پناه انجام داده است که گزیده‌ای از این گفت‌وگو در ادامه می‌آید.

به گزارش استقامت به نقل از جنگ هنر مس، او در این گفت‌وگو در پاسخ به این سوال که در چه فضایی رشد کردید و چقدر فضای خانه پدری در جهت‌گیری آینده‌تان تاثیر داشت؟ می‌گوید: «در یکی از محله‌های قدیمی شهر کرمان و در محیطی مذهبی - سنتی رشد کردم و بزرگ شدم. به علت از دست دادن پدر در سنین کودکی، من تحت تعلیم و تربیت مادری فداکار، مهربان و مذهبی که دید بسیار روشنی داشت بزرگ شدم و همین خصلت اساسی مادرم در جهت‌گیری آینده من نقش بسیار موثری داشت».

در بخش دیگری از این گفت‌وگو، اسلام‌پناه در پاسخ به این پرسش که چگونه گره‌سازی در تزئینات معماری را یاد گرفتید؟ اظهار می‌کند: «بعد از زلزله سال ۶۰ گلباف کرمان، کار تعمیر سردر مزار آقا در کرمان، به استادی اصفهانی به نام استاد غلامرضا ابراهیمیان سپرده شد. در گفت‌وگوها و کوچ‌گردی‌هایی که در کرمان داشتم با این استاد اصفهانی و کار وی آشنا شدم و رموز و ظرایف کار گره‌سازی در معماری را به مرور و به صورت عملی از او فرا گرفتم».

چه شد که به صحافی روی آوردید؟ اسلام‌پناه در پاسخ به این پرسش توضیح می‌دهد: «با توجه به علاقه‌ای که به کتب و نسخ خطی قدیمی داشتم و بعضاً کتاب‌های خطی‌ای را می‌دیدم که از نظر صحافی احتیاج به تعمیر داشتند و همچنین مقداری چرم دیباغی شده دستنی که در اختیار داشتم به فکر فراگیری و یادگیری این حرفه برای تعمیر کتب خطی قدیمی افتادم».

او درباره راه‌اندازی صحافی کهنه‌کتاب در بازار تاریخی کرمان نیز می‌گوید: «بازنشستگی از کار دولتی، علاقه به کار صحافی که توأم با فراگیری نظری این کار بود و یک باب مغازه از پدر به ارث رسیده بود، همگی دست به دست هم داد تا حجره صحافی کهنه‌کتاب راه‌اندازی شود».

وقتی در بازار کرمان قدیم می‌نیم پرسشی که از ذهن رهگذران می‌گذرد این است که چرا این مغازه را واگذار نمی‌کنید؟ مگر چقدر درآمد دارد؟ آیا مترصد آن نشدید که مغازه را تغییر کاربری بدهید؟ اسلام‌پناه می‌گوید: «اصلاً و ابداً». و ادامه می‌دهد: «من این حجره را صرفاً برای خدایابامرزی پدرم که سال‌ها در این مکان دکان بزازی داشت و برای اینکه جا و مکانی برای گفت‌وگو و بحث با دوستان و آشنایی با بزرگان و رفت‌وآمد و دیدار با آن‌ها باشد، راه‌اندازی کردم... اکنون از تعویض در ورودی و ساخت‌وساز داخلی، رف و طاقچه جانی به‌در برده‌اند، مثل سایر دکان‌ها، بازار کرمان را به افتضاح نکشاندند! همین قدر ممنونم».